



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعید افغانی د سولې او تفاهم، نشراتی ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنیزه، علمی، فرهنگی و نشراتی ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعید افغانی : آزاده ، ټولنیزه ، علمی ، فرهنگی او نشراتی ارگان ته ښه راغلاست !

مولانا داکتر محمد سعید « سعید افغانی »

تاریخ نشر: 10 نوامبر 2019 م

« بخش دوم »

حاصل موعظه شیخ الاسلام خواجه عبدالله « انصاری » در رسیدن
به سعادت و مراتب عالیه و در صحبت با اهل و نفرت از غیر اهل.

ای عزیز !

به راستی که مصباح سعادت ابدی د مفتاح دولت سرمدی در حصول طریق حق است .

کسی که آن را نشناسد ، جاهل مطلق است .

پس اگر طالب حق هستی این راه را پاکیزه کن .

به موانع مادی « آب و خاک » پشت بده؛ زیرا هرگاه موانع را برداشتی ، مسافت را قطع کرده ای .

وقتی از خود بریدی ، به دوست خود رسیدی ، و عنقریب چیزی را بینی که ندیده ای . پس از آن

راهی نیست که به آنجا اشاره شود ، و زیان این سر را نداند .

انگاه شیخ الاسلام با کلمات ارزشمند خود به مطالب بلندی اشارت کرده است .

مست باش و داد مزن .

داغ و سوزان باش وجوش مزن .

شکسته و آرام باش ؛ زیرا کسی که از مستی داد می زند ، مردم دستهای او را می گیرند و

شکسته بر شانه های خود حمل می نمایند .

خواجه عبدالله « انصاری » با این گفته های خود ، روشن می کند که بر سالک لازم است به گونه

ای جذبیه و حرارت عشق داشته باشد که هیچ کس آن را نفهمد و درد و سوز عشق را با سکوت

توام کند ، تا عوارض و موانع بر او عارض نشود .

سپس گفته است : اگر نجات می خواهی ، بر گرفتاریها شکبیا باش .

اگر بقا را میخواهی ، خود را فانی کن .

هرگاه از این مراتب دستگیری شود ، پس شادمان باش و اگر بدان نرسیده ای در جست و جوی

آن باش .

همدم باش نه دشمن .

یار فروشی شیوه اسلام است .

خود فروشی کفر خالص است .

شیخ الاسلام با این رمز ، این نکته را بیان داشته است که از اخلاق اسلام این است که به رفیق

خود همه اخلاص و احسان را پیشکش کنی ، به گونه ای که به تو اعتماد کامل کند ، تا جایی که اگر

او را به فروش برسانی ، چیزی به تو نگوید .

منظور او از کفر بودن فروختن نفس ، این است که هرگاه سعادت ابدی او را ملاحظه نکنی و غرق در لذتهای زودگذر از آن باشی او را فروخته ای .

یا شاید منظورش این باشد که کسی که نقص خود را در راه دوستی خدا به فروش رساند ، او نسبت به ما سواء الله تعالی کافر است .

سپس گفته است : به راستی کمال انسان در این است که قلب او در تمامی تصرفاتش در اختیارش باشد ؛ اما سایر جوارح ، مثل آب و گل است « یعنی هرگاه قلب در اختیار باشد ، می توانی با جوارح خود هرچه خواهی بنامایی . » .

انگاه گفته است : هرگاه رفیق تو صالح باشد ، کار آسان است .

همنشین با اهل ، قلب و جسد را یاری می کند و همنشینی با غیر اهل ، دوستان را متفرق و اهل و عیال را پراکنده می سازد ؛ زیرا یار اهل ، قوت قلب را زیاد می کند و غیر اهل یاری است که با تو همراهی می کند تا لقمه تو را بر باید .

از رفیق اهل به شفیق قلب تعبیر کرده و از صدیق غیر اهل به رفیق خوردن تعبیر کرده است .
بنابر این از همه علاقه ات را قطع کن ، مگر از سه کس :

۱- عالمی که تو را از عیب باز می دارد و به تقوا متوجه می سازد .

۲- درویشی که به سبب همدمی او متواضع می شوی و به برکت وی به خیرات می پیوندی .

۳- صاحبدلی که ابر های رحمت بر سر روی او می بارد ، شاید از آن بر سر روی تو نیز ببارد .
سپس گفته است : اگر دو دست و پای خواجه عبدالله « انصاری » به خامی بسته باشد ،

سزاوارتر است که با خامی نشسته باشد .

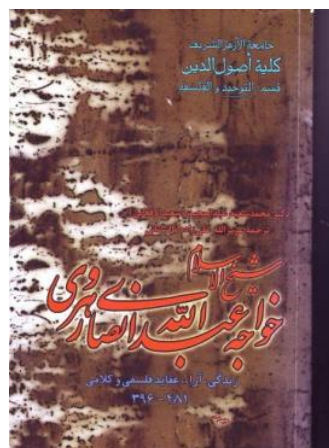
با این بیان خواسته بگوید که لازم است عدم تجربه سبب جمود نباشد ، به این معنا که شخص بگوید من عمل نمی کنم ؛ زیرا احتمال خطاء کاری می رود و این خلاء در جمود او تأثیر نماید . بلکه بر هرکسی لازم است که به قدرت عمل کند ، هرچند به سبب عدم تجربه خطا نماید ؛ زیرا خطا با نشاط و دقت ، انسان را در آخر امر به صواب و تجربه می رساند .

مولانا داکتر محمد سعید « سعید افغانی »

کتاب شیخ الاسلام خواجه عبدالله « انصاری - هروی »

سال ۱۹۶۶ م - پوهنتون الازهر - مصر

ترجمه دری : عزیز الله علی زاده « مالستانی »



سلسله نشر موعظه خواجه عبدالله « انصاری » ادامه دارد .
تهیه و ترتیب کننده : برهان الدین « سعیدی »

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی